

## جایگاه باستان‌گرایی و نمادهای اسطوره‌ای در برجسته‌سازی (شعر و نگارگری)

### چکیده

شعر و نگارگری از هنرهایی هستند که با بیان و تصویرگری توانایی بالایی در انتقال مفاهیم دارند. در این میان کاربرد روش‌هایی چون برجسته‌سازی نقش مهمی پررنگ کردن قدرت انتقال فرهنگ و نمادهای فرهنگی دارند. در برجسته‌سازی در لغت به معنای پیش زمینه، جای برجسته و آشکار به کار رفته و در اصطلاح به عدول و انحراف هنری از هنجار متعارف زبان گفته می‌شود. یکی از اشکال آشنایی‌زدایی برجسته‌سازی است و آن زمانی تحقق می‌یابد که هنجارگریزی بیانگر مفهومی باشد؛ یعنی نقش بپذیرد. از دید فرمالیست‌های روس، هنجارگریزی یا فراهنجاری یکی از روش‌های تأثیرگذار برجسته‌سازی ادبی در شعر هست. پژوهش حاضر بر آن است تا با شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی به جایگاه باستان‌گرایی و نمادهای اسطوره‌ای در برجسته‌سازی (شعر و نگارگری) بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که باستان‌گرایی و نمادهای اسطوره‌ای در برجسته‌سازی‌های زبانی و معنایی همچون تکرار واج، تکرار کلمه، تکرار عبارت، تشخیص، کنایه، استعاره، تشبیه و حس‌آمیزی و... دستخوش عادت-زدایی شده‌اند و موجبات برجسته‌سازی در شعر را فراهم نموده‌اند. در نگارگری نیز نمادهای باستان‌گرایی و اسطوره-ای با برجسته‌سازی جلوه بیشتری یافته‌اند.

### اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی جایگاه باستان‌گرایی و نمادهای اسطوره‌ای در برجسته‌سازی شعر و نگارگری.
۲. بررسی برجسته‌سازی با عناصر تصویرساز و خیال‌انگیز در شعر فارسی و عرب.

### سوالات پژوهش:

۱. باستان‌گرایی و نمادهای اسطوره‌ای چه جایگاهی در برجسته‌سازی شعر و نگارگری دارند؟
  ۲. باستان‌گرایی و نمادهای اسطوره‌ای تا چه اندازه و چگونه توانسته‌اند موجبات برجسته‌سازی سخن را فراهم آورند؟
- کلیدواژه‌ها:** فرمالیسم، برجسته‌سازی، باستان‌گرایی، نگارگری، شعر فارسی و عربی.

## مقدمه

شعر و نگارگری از هنرهایی است که در تاریخ ایران ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر داشته‌اند. آثار ادبی متعددی بر جای مانده است که به دست نقاشان نگارگری شده است. علاوه بر این بسیاری از اشعار و نگاره‌های برجای مانده دارای مضامین مشترکی هستند. شعر کهن‌ترین گونه‌ی ادبی، زیباترین اتفاق حاصل از زبان و برجسته‌ترین هنر کلامی هست. یک شاعر وقتی در کنار داشتن حالات روحی و احساسات عمیق خود با فکر شعر بسراید، آن وقت است که شعرش در جامعه رواج یافته و می‌تواند جزوی از پشتوانه فرهنگی یک ملت باشد. اسطوره‌ها انسجام‌بخش هویت ملی است که به مرور زمان مردم آن‌ها را سرلوحه‌ی باورها و اندیشه‌های مدیریتی خود قرار داده‌اند. جریان فرهنگی بشر میان ادبیات ملت‌های گوناگون و نظریه‌های ادبی موجود مابین دنیای کهن و دنیای نو در قرن بیستم را فرمالیسم می‌گویند که هدف‌های ساختاری یک متن خاص را مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف فرمالیست‌ها در گرو مصون نگه‌داشتن ادبیات از آسیب نقدهای سلیقه‌ای بوده و معتقدند ادبیات صرفاً یک مسئله‌ی زبانی است. نگارگری نیز به‌عنوان یک هنر کهن در ایران همواره به مضامین باستان‌گرایی و اسطوره‌های توجه داشته است لذا بررسی جایگاه باستان‌گرایی و نمادهای اسطوره‌ای در برجسته‌سازی شعر و نگارگری می‌تواند موضوعی قابل تأمل باشد.

پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی در این زمینه انجام نشده است. البته آثار کمی به صورت جزئی بدین مورد پرداخته‌اند. برای مثال، مجید محمدی و افسانه ملکی (۱۳۹۵) در مقاله‌ی خویش تحت عنوان «زیبایی‌شناسی معنایی اشعار سعاد الصباح و ژاله فراهانی با محوریت زن و عواطف زنانه» مهم‌ترین مضامین عاطفی اشعار فراهانی و صباح را با بیان اندیشه آنان درباره زن و عواطف زنانه مورد بررسی قرار دادند. تبیین و ارزیابی شعر ژاله اصفهانی و سعادالصباح از این‌رو حائز اهمیت می‌باشد که پژوهشگر می‌تواند به نظریه‌پردازی‌های ادبیات تطبیقی پرداخته و دریچه نگاهش به پژوهش‌های تطبیقی مشخص شود. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه ژاله همواره با حضوری فعال در عرصه ادبی، گرایش به جامعه، تلاش در گسترده نگری به موضوع مقاومت و احیای هویت اجتماعی زن، عرصه را برای تحلیل بدعت هنری خود در زمینهٔ هنجار‌گریزی باز کرده است و سعاد الصباح نیز موضوعات و مسائل اجتماعی را با نوعی بیان عاطفی و احساسی به تصویر کشیده است. پژوهش حاضر بر آن است تا جایگاه باستان‌گرایی و نمادهای اسطوره‌ای را که سبب برجسته‌سازی گردیده با روشی توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش جایگاه باستان‌گرایی و نمادهای اسطوره‌ای در برجسته‌سازی را با توجه به اشعار ژاله اصفهانی و سعاد الصباح و نگارگری در ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

## نتیجه‌گیری

گریز از نرَم زبان در اشعار هر دو شاعره کاملاً آگاهانه و در خصوص آگاه کردن اندیشه‌ها و عواطف عصر خود نسبت به جامعه به کار رفته است. پژوهش صورت پذیرفته نشان می‌دهد که زبان شعری ژاله اصفهانی ساده و بی‌تکلف و ذهنش همواره درگیر تربیت سیاسی می‌باشد. قالب شعری سعاد نوعی رئالیسم ادبی است. وی با تصویرسازی و رمزگرایی سعی در برطرف کردن این ضعف خود داشته و همین امر سبب گردیده تا از بلاغت و بدیع استفاده نماید.

هر دو شاعر از باستان‌گرایی در اشعار خود بهره برده‌اند با این تفاوت که آرکائیک در اشعار ژاله اصفهانی بسامد بالایی دارد. ژاله با استعمال از زبان گذشتگان در اشعار خود، علاقه وافر خود را به شعر کهن به‌خوبی برای معاصران و آیندگان به نمایش گذاشته و از این طریق اصلتش در شعر را به ارمغان آورده است. هرچند ژاله به فرم و صورت شعر توجه خاصی دارد اما هنجارگریزی معنایی با توجه به زیرمجموعه‌هایش در اشعار سعادت‌الصباح نیز به‌وفور دیده می‌شود که این نشان از قدرت خیال‌پردازی شاعر دارد. در جامعه مردسالار عربی سعادت از عشق که ممنوعیت مطلق است حرف زده و چون نمی‌تواند به‌صراحت منظورش را آشکار سازد برای برجسته‌سازی کلام بیشتر از کنایه استفاده کرده تا جایی که برای رساندن فهم کلام خود حتی با شگردی زیرکانه از صنعت تکرار نیز بهره جسته است. در نگارگری در ایران نیز باستان‌گرایی، توجه به اسطوره‌ها و کاربرد مؤلفه‌های برجسته‌سازی دیده می‌شود.

#### منابع:

#### کتاب‌ها:

- الصباح، سعادت. (۱۳۷۸). رازهای یک زن. ترجمه حسن فرامرزی. تهران: انتشارات داستان.
- اصفهانی، ژاله. (۱۳۸۴). مجموعه اشعار. چ ۱. تهران: انتشارات نگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). صور خیال در شعر فارسی. چ ۳. تهران: آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). صور خیال در شعر فارسی. چ ۱۴. تهران: نشر آگه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). موسیقی شعر. چ ۱۳. تهران: نشر آگه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). بیان. ویرایش ۳. تهران: میترا.
- عابدی، کامیار. (۱۳۸۰). به‌رغم پنجره‌های بسته: شعر معاصر زنان. چ ۱. تهران: انتشارات کتاب نادر.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی. تهران: سخن.
- قریب، عبدالعظیم؛ و دیگران (۱۳۶۶). دستور زبان فارسی پنج استاد. چ ۴. تهران: انتشارات اشرفی.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۹). فنون بلاغت و صناعات ادبی. چ ۱. تهران: انتشارات اهورا.
- یوشیج، نیما. (۱۳۷۵). درباره شعر و شاعری. تهران: انتشارات دفترهای زمانه.
- الصباح، سعادت. (۱۹۹۷- الف). فی البدء کانت الأنثی. الطبعة السادسة. الكويت: دار سعادت الصباح للنشر و التوزيع.
- الصباح، سعادت. (۲۰۱۲). فی البدء کانت أنثی. ط ۱۱، کویت: دار سعادت الصباح للنشر و التوزيع.
- الصباح، سعادت. (۲۰۰۵- آ، ب). بی‌نام. بی‌جا.
- الصباح، سعادت. (۲۰۰۶). رسائل من الزمن الجمیل. کویت: دار سعادت الصباح للنشر و التوزيع.
- الصباح، سعادت. (۲۰۰۷). والورود تعرف الغضب. ط ۲، کویت: دار سعادت الصباح للنشر و التوزيع.
- الصباح، سعادت. (۱۹۹۰). دیوان الیک یا ولدی. الطبعة الرابعة. مصر: الهبة المصرية العامة للكتاب.
- الصباح، سعادت. (۱۹۹۷- ج). هل تسمحون لی أن أحبّ وطنی. الطبعة الخامسة. الكويت: دار سعادت الصباح للنشر و التوزيع.
- الصباح، سعادت. (۱۹۹۷- ب، پ). بی‌نام. بی‌جا.
- الصباح، سعادت. (۱۹۹۹). قصيدة أنثی و الأنثی قصيدة. الكويت: دار سعادت الصباح للنشر و التوزيع.

- بارانی، محمد. (۱۳۸۲). «کارکرد ادبی زبان و گونه‌های آن». مجله‌ی فرهنگ. شماره ۴۶-۴۷، صص ۷۰-۵۵.
- حاتم، غلامعلی. (۱۳۷۵). «نگاهی به هنرنگرگری ایران، هنر، شماره ۳۰، صص ۲۱۵-۲۰۷.
- دوستی، محمدحسن و همکاران. (۱۳۹۸). «شادمانی در غزلیات و انعکاس آن در نگارگری ایرانی»، هنر اسلامی، ۳۶، صص ۶۳-۴۶.
- طالبی، مرتضی و همکاران. (۱۳۹۹). "تصویرسازی منظومه‌های غنایی در تطبیق با نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی". فصلنامه علمی مطالعات هنر اسلامی. شماره ۲۹، ص ۲۲۵.
- علی‌زاده ماهانی، بتول، و همکاران. (۱۳۹۸). " مضامین استعاره‌ها در منظومه سبیکه‌الذهب در تطبیق با آیات قرآن و انعکاس آن در مصداق هنری". مجله‌ی فرهنگ. شماره ۳۶، ص ۱۳۰.
- غنچه‌ای، علیرضا، و همکاران. (۱۳۹۹). " بررسی سبک‌های مدیریتی در شاهنامه شاه طهماسبی". فصلنامه علمی مطالعات هنر اسلامی. شماره ۳۹، ص ۲۶۵.
- کفشچیان مقدم، اصغر؛ یاحقی، مریم. (۱۳۹۰). «بررسی عناصر نمادین در نگارگری ایران»، باغ نظر، شماره ۱۹، صص ۷۶-۶۵.
- میویک، دسی. (۱۹۸۷). المفارقة و صفاتها. ترجمة عبدالواحد لؤلؤة. بغداد: دارالأمون للترجمة و النشر.